در محضر حضرت آيت الله العظمى مكارم شيرازى (دامت بركاته(

 مسعود پورسيد آقايي

فرارسيدن‌ نهم‌ ربيع‌الاول، آغاز سال‌روز امامت‌ خاتم‌ الاوصياء، حضرت‌ بقيه` الله‌ الاعظم، ولي‌ عصر - ‌عجل الله‌ تعالي‌ فرجه‌ الشريف - را به‌ محضر حضرت‌ آيه` اللّه‌ العظمي‌ مكارم‌ شيرازي‌ و همه‌ عزيزان‌ حاضر در مجلس‌ تبريك‌ و تهنيت‌ عرض‌ مي‌كنم.

اين‌ روز را كه‌ در حقيقت‌ در امتداد غدير و بلكه‌ خود، غدير ديگري‌ است‌ و روز بيعت‌ و تجديد عهد با امام‌ زمان(عج) است، به‌ محضر حضرت‌عالي‌ رسيديم، تا از بيانات‌ و رهنمودهاي‌ شما استفاده‌ كنيم و از اين كه‌ ما را به‌ حضور پذيرفتيد، بسيار سپاسگزاريم.

در ابتدا اجازه‌ مي‌خواهم‌ كه‌ به‌ اختصار به‌ معرفي‌ مركز تخصصي‌ مهدويت‌ و برخي‌ اهداف‌ و برنامه‌هاي‌ آن‌ و نيز بعضي‌ از كارهايي‌ كه‌ تاكنون‌ صورت‌ گرفته، بپردازم.

اجمالاً عرض‌ مي‌شود، مركز تخصّصي‌ مهدويّت، با همت‌ برخي‌ شخصيت‌هاي‌ فرهنگي‌ به‌ ويژه‌ حضرت‌ حجت‌ الاسلام‌ و المسلمين‌ حاج‌ آقاي‌ قرائتي‌ (دامت‌ توفيقاته) و حمايت‌هاي‌ مقام‌ معظم‌ رهبري‌ (دام‌ ظله) ايجاد شده‌ است. اين‌ مركز، وابسته‌ به‌ بنياد فرهنگي‌ حضرت‌ مهدي‌ موعود (عج) و به‌ عنوان‌ تنها مركزي‌ است‌ كه‌ به‌ صورت‌ آموزشي، پژوهشي، تبليغي‌ و هنري‌ دربارهِ‌ حضرت‌ مهدي(ع)، مشغول‌ فعّاليّت‌ است.

از جمله‌ اهداف‌ اين‌ مركز، پرورش‌ اساتيد و تربيت‌ مبلغان‌ در اين‌ موضوع، گسترش‌ و تعميق‌ مباحث‌ مهدويت‌ در سطح‌ جامعه و دفاع‌ از فرهنگ‌ غني‌ و اصيل‌ مهدويت‌ در برابر شبهات‌ داخلي‌ و خارجي، است.

در اين‌ مركز، هم‌ اكنون‌ بيش‌ از يكصد نفر از طلا‌ب و فضلا‌ مشغول ‌به تحصيل‌ هستند. اين‌ دوره‌ چهارمين‌ دوره‌ آموزشي‌ اين‌ مركز است‌ - ‌سه‌ دوره‌ تربيت‌ مدرس‌ و يك‌ دوره‌ سطح‌ سهِ‌ حوزه. - الحمدللّه‌ هم‌ چنان‌ كه‌ مستحضر هستيد به‌ تازگي‌ با همت‌ و تلاش‌ بعضي‌ از آقايان‌ و عنايت‌ حضرت‌عالي، اين‌ مركز به‌ عنوان‌ يكي‌ از مراكز تخصّصي‌ حوزه‌ و با نام‌ <مركز تخصّصي‌ امامت‌ و مهدويت> به‌ تصويب‌ رسيد و از ابتداي‌ سال‌ گذشته‌ بيست‌ و پنج‌ نفر از طلاب‌ در مقطع‌ سطح‌ سه، مطابق‌ مقررات‌ حوزه، گزينش‌ شدند كه‌ هم‌ اكنون‌ مشغول‌ به‌ تحصيل‌ هستند. در اين‌ رابطه، سرفصل‌ها و دروسِ سطح‌ چهار هم‌ آماده‌ شده‌ است، كه‌ به‌ محض‌ كسب‌ مجوز براي‌ سطح‌ چهار، گزينش‌ طلاب‌ در اين‌ مقطع‌ هم‌ انجام‌ خواهد شد، ان‌ شاء اللّه.

گفتني‌ است‌ كه‌ اين‌ مركز، در راستاي‌ اهدافي‌ كه‌ دارد، در تلاش‌ است‌ شعبه‌هايي‌ را در مراكز برخي‌ استان‌ها مانند: مشهد، اصفهان‌ و... تأ‌سيس‌ كند؛ كه‌ بحمداللّه‌ در اصفهان‌ مركزي‌ به‌ همين‌ نام‌ تأ‌سيس‌ شده كه‌ فعاليّت‌هاي‌ آموزشي‌ و تبليغي‌ شايان‌ توجهي‌ دارد و در مشهد الرضا(ع) نيز در حال‌ تشكيل‌ است.

از ديگر فعاليت‌هاي‌ اين‌ مركز، انتشار فصلنامه‌اي‌ علمي‌ - تخصصي‌ با نام‌ <انتظار> است كه‌ مورد استقبال‌ حوزه‌ها و مراكز علمي‌ قرار گرفته‌ است؛ به‌ طوري‌ كه‌ تمام‌ شماره‌هاي‌ آن، با وجود چاپ‌هاي‌ متعدد، ناياب‌ است.

از جمله‌ برنامه‌هاي‌ اين‌ مركز، تشرف‌ به‌ محضر مراجع‌ بزرگوار، جهت‌ استفاده‌ از بيانات‌ و رهنمودهاي‌ آنان‌ است.

عرض‌ پاياني‌ من، درخواست‌ از حضرت‌ عالي، براي‌ تاكيد و اهميّت‌ دادن‌ بيش‌تر به‌ مباحث‌ مهدويت‌ در حوزه‌هاست؛ زيرا همان‌ طور كه‌ مستحضر هستيد، اين‌ مباحث‌ به‌ دلايل‌ اعتقادي، سياسي‌ و اجتماعي‌ از اهميت‌ به‌سزايي‌ برخوردار است‌ و متأ‌سفانه‌ در طول‌ بيست‌ و پنج‌ سال‌ پس‌ از انقلاب، به‌ خاطر برخي‌ جهات، از جمله‌اتهام وابستگي به‌انجمن حجتيّه، آن‌گونه‌ كه‌ شايستهِ‌ اين‌ مباحث‌ است، به‌ آن‌ پرداخته‌ نشده‌ است.

مهدويت، با توجه‌ به‌ نگاه‌ و رويكرد جدي‌ به‌ آيندهِ‌ انسان‌ و پايان‌ تاريخ‌ و با توجه‌ به‌ زمينه‌ها و پشتوانه‌هاي‌ عميق‌ اعتقادي‌ و فرهنگي، كه‌ در پيروان‌ و عاشقان‌ خود دارد، مي‌تواند از مهم‌ترين‌ عوامل‌ رشد جامعه‌ و نجات‌ از ركود و انحطاط‌ باشد؛ هم‌ چنان‌كه‌ بيش‌ترين‌ سهم‌ را در ايجاد نشاط‌ و اميد به‌ آينده‌ و بسيج‌ جوانان‌ و توده‌هاي‌ مردم‌ دارد.

در اين‌ زمينه‌ سخن‌ بسيار است، ولي‌ بيش‌ از اين‌ مصدع‌ نشوم. بار ديگر از اين‌كه‌ جمعي‌ از فرزندانتان‌ را به‌ حضور پذيرفتيد، تشكر مي‌كنم. اميدوارم‌ بتوانيم‌ از اين‌ فرصت‌ پيش‌ آمده‌ نهايت‌ بهره‌ را ببريم‌ و بيانات‌ و رهنمودهاي‌ حضرت‌عالي‌ را چراغي‌ فراراه‌ فعاليت‌هاي‌ خود و اين‌ مركز قرار دهيم.

بسسم‌ الله‌ الرحمن‌ الرحيم‌ و به‌ نستعين‌ و صلي‌ الله‌ علي‌ سيّدنا محمّد و آله‌ الطيبين‌ الطاهرين، لا سيما بقيه`‌الله‌ المنتظر، ا‌رواحنا فداه. )و لقد كتبنا في‌ الزبور من‌ بعد الذكر ان‌ الارض‌ يرثها عبادي‌ الصالحون.

بررسي‌ موضوع‌ مهدويت، يك‌ وظيفه‌ است‌

از ديدار شما عزيزان، برادران‌ عزيز و محترمي‌ كه‌ در رشته‌ تخصّصي‌ مهدويّت‌ مشغول‌ فعاليّت‌ هستيد بسيار خوش‌بختم. حقيقت، اين‌ است‌ كه‌ حوزه‌ علميه‌ قم، مسئوليّت‌هاي‌ زيادي‌ براي‌ دفاع‌ از حوزه‌ تشيع‌ دارد. يك‌ بخش‌ مهم‌ آن، دفاع‌ از حوزه‌ مهدويّت‌ است.

ايّام، ايّام‌ شهادت‌ حضرت‌ امام‌ حسن‌ عسكري(ع) و آغاز سال‌ روز امامت‌ امام‌ زمان‌ (عج) است. معروف‌ است‌ كه‌ ما، در روز شهادت‌ امام‌ حسن‌ عسكري، با يك‌ چشم‌ اشك‌ حسرت‌ مي‌باريم‌ و با يك‌ چشم، اشك‌ شوق. حسرت‌ و اندوه، از اين‌ مصيبت‌ است‌ كه‌ امام‌ يازدهم‌ را از دست‌ داده‌ايم‌ و شوق، از آن‌ نعمت‌ الهي‌ است‌ كه‌ در سايه‌ امام‌ زمان‌ قرار گرفته‌ايم. بنابراين، اين‌ ايام، با مسئله‌ مهدويّت، تناسب‌ زيادي‌ دارد.

همان‌ طور كه‌ برادرمان‌ اشاره‌ فرمودند، مسئله‌ مهدويّت، سال‌هاي‌ زيادي‌ بود كه‌ تحت‌ پوشش‌ يك‌ عناوين‌ ديگر قرار گرفته‌ بود و شكل‌ و شمايل‌ خودش‌ را از دست‌ داده‌ بود و سبب‌ شده‌ بود كه‌ عدّه‌ زيادي‌ از آن فاصله‌ بگيرند. اگر كسي‌ مي‌خواست‌ درباره‌ حضرت‌ مهدي‌ و حضرت‌ حجت(ع) بحث‌ كند، به‌ او اتّهام‌ حجتيّه‌ بودن‌ مي‌زدند و مشكلاتي‌ براي‌ او پيدا مي‌شد و يا به‌ نفع‌ گروه‌ خاصي‌ تمام‌ مي‌شد، امّا به‌ زودي‌ معلوم‌ شد كه‌ بايد حساب‌ها از هم‌ جدا كرد. ما كه‌ نمي‌توانيم‌ با حضرت‌ مهدي(ع) خداحافظي‌ كنيم! ما كه‌ نمي‌توانيم‌ درباره‌ ايشان‌ بحث‌ نكنيم! براي‌ شما عزيزان‌ كه‌ مشغول‌ بحث‌ بررسي‌ در اين‌باره‌ هستيد، روشن‌ است‌ كه‌ عدهّ زيادي‌ در طول‌ تاريخ، از نام‌ مقدّس‌ <مهدي> سوء استفاده‌ كرده‌اند. همين‌ امروز، در ميان‌ نامه‌هايي‌ كه‌ براي‌ ما آمده‌ است، نامه‌اي‌ بود كه نوشته‌ بود: <برگه‌اي‌ به‌ دست‌ ما رسيده، به‌ نام‌ اين‌ كه‌ سيّد حسني‌ در عراق‌ ظهور كرده‌ است‌ و مردم‌ را دعوت‌ كرده‌ است‌ و مراجع‌ را به‌ مباهله‌ خوانده‌ است>!

اين‌ سوء استفاده‌هايي‌ كه‌ در گوشه‌ و كنار جهان‌ اسلام، از مسئله‌ مهدويت‌ مي‌شود و شده‌ است، مانع‌ از اين‌ نيست‌ كه‌ ما از اين‌ مسئله‌ اساسي، خودمان‌ را كنار بكشيم.

حوزه‌ علميّه‌ قم، در شرايط‌ فعلي، تنها پايگاه‌ براي‌ دفاع‌ از اسلام‌ و تشيع‌ است. البته، اميدوارم‌ حوزه‌ علميه‌ نجف‌ هم‌ با قطع‌ شرٍّ اشغال‌كنندگان، بار ديگر زنده‌ شود و به‌ دفاع‌ از حوزه‌ تشيع‌ بپردازد. حال‌ با اين‌ وضع، آيا نبايد رشته‌اي‌ به‌ نام‌ مهدويّت، بررسي‌ مسايل‌ درباره‌ حضرت‌ مهدي(ع) را بر عهده‌ بگيرد؟

مهدويّت، نقطه‌ اميد بخش‌ و زندگي‌ساز

به‌ يقين‌ بايد باشد، به‌خصوص‌ اين‌ كه‌ مسايل‌ مربوط‌ به‌ حضرت‌ مهدي(ع)، در مركزِ حملات‌ و تيراندازي‌هاي‌ مخالفان‌ قرار گرفته‌ است! آنان‌ مي‌دانند، ايمان‌ به‌ حضرت‌ مهدي(ع)، سبب‌ بالندگي‌ و شادابي‌ جامعه‌ شيعه‌ است. شيعه، به‌ عشق‌ او زنده‌ است‌ و به‌ عشق‌ او گام‌ بر مي‌دارد. به‌ واسطه‌ انتظار او، هرگز، گرد و غبار يأ‌س، بر دل‌ و جان‌ شيعه‌ نمي‌نشيند. نه‌ تنها شيعه، اهل‌ سنّت‌ هم‌ در انتظار مهدي‌ هستند. تفاوت، فقط، در اين‌ است‌ <آيا او متولد شده‌ است‌ و يا در آخر الزمان‌ متولد مي‌شود؟>.

مهدويّت، اجماعي‌ است‌

مسئله‌ قيام‌ مهدي، از آغاز اسلام، در ميان‌ مسلمانان‌ مطرح‌ بوده‌ است. احاديث‌ مهدي‌ را دقت‌ كنيد! نكته‌ جالبي‌ دارد.

پيغمبر اكرم‌ مي‌فرمايد: <مهدي، جَبهه‌اش‌ [پيشاني‌اش] اين‌ طور است؛ چشمانش‌ اين‌ طور است؛ بيني‌اش، اين‌ طور است.> درباره‌ اصل‌ وجود و ظهور مهدي‌ بحث‌ نمي‌كند، بلكه‌ از نشانه‌ها و جزئيات‌ مي‌گويد. معناي‌ اين‌ گفته، اين‌ است‌ كه‌ اصل‌ مسئله، براي‌ مسلمانان‌ زمان‌ پيغمبر هم‌ روشن‌ بوده‌ است‌ و حضرت‌ دارد شاخ‌ و برگ‌ را بيان‌ مي‌كند. ما، در فقه، وقتي‌ از بعضي‌ از مسائل‌ بحث‌ مي‌كنيم، مي‌بينيم‌ از اصل‌ مسئله، كسي‌ از امام‌ سؤ‌ال‌ نكرده،‌ بلكه از شرايط، موانع، جزئيات‌سؤ‌ال‌ كرده، مي‌گوييم، به‌ قدري‌ اصل‌ مسئله، مسلم‌ بوده‌ كه‌ درباره‌ اصل‌ آن، سؤ‌ال‌ نمي‌شده، بلكه‌ از شرايط‌ و موانع‌ و جزئياتش‌ سؤ‌ال‌ مي‌پرسيده‌اند! وقتي‌ ما نگاه‌ مي‌كنيم‌ مي‌بينيم، بحث‌ از خصوصيات‌ ظاهر او و... است، معلوم‌ مي‌شد كه‌ از زمان‌ پيغمبر، مسئله، خيلي‌ روشن‌ بوده‌ است.

اين‌ نكته‌ نيز خيلي‌ جالب‌ است. امام‌ سجاد، سلام‌ الله‌ عليه، موقعي‌ كه‌ در شام‌ خطبه‌ مي‌خواند، از مسائلي‌ كه‌ خودش‌ را با آن‌ معرّفي‌ مي‌كند، مسئله‌ حضرت‌ مهدي‌ است. شاميان، ساليان‌ دراز، به‌ سبب‌ حكومت‌ بني‌اميه‌ و معاويه، نه‌ تنها از حضرت‌ علي(ع) دور شده‌ بودند، بلكه‌ از اسلام‌ دور افتاده‌ بودند!

امروز، مدارك‌ روشني‌ در دست‌ است‌ كه‌ معاويه، از اصل‌ اين‌ كه‌ نام‌ پيغمبر در اذان‌ برده‌ مي‌شد، ناراحت‌ بود و مي‌گفت: <بايد روزي‌ برسد كه‌ اين‌ نام‌ فراموش‌ بشود.>! خوب، شاميان‌ همه‌ چيز را فراموش‌ كردند، ولي‌ از خطبه‌ امام‌ سجاد معلوم‌ مي‌شود كه‌ مهدي‌ را فراموش‌ نكرده‌ بودند: <منّا ا‌سد الله‌ و ا‌سد الرسول‌ و منّا الطيار و منّا مهدي‌ هذه‌ الاُمه`؛ اي‌ شاميان! شما خبر داريد كه‌ مهدي‌ اين‌ امّت‌ ظهور مي‌كند. مهدي‌ اين‌ امّت، از ما است! اگر ما را خارجي‌ معرفي‌ كردند، اشتباه‌ است! حمزه، از ما بود! طيار، از ما بود! مهدي‌ امّت‌ از ما است!>؛ يعني، مسئله، آن‌ قدر روشن‌ بود كه‌ مردم‌ شام‌ هم‌ با آن‌ همه‌ دوري‌ از اسلام، با اين‌ موضوع‌ آشنا بودند. اگر اين، يك‌ مسئله‌ مجهولي‌ بود، كسي‌ كه‌ نمي‌آيد به‌ وسيله‌ يك‌ مسئله‌ مجهولي، خودش‌ را به‌ مردم‌ معرفي‌ بكند! بنابراين، اين‌ مسئله، يك‌ مسئله‌ بنيادي‌ در اسلام‌ است. شما عزيزان‌ كه‌ مشغول‌ اين‌ برنامه‌ هستيد، مي‌دانيد كه‌ اهل‌ سنّت، كتاب‌هاي‌ زيادي‌ درباره‌ مهدي‌ نوشته‌اند. كتابي‌ داريم‌ كه‌ يكي‌ از دانشمندان‌ اهل‌ سنت‌ نوشته‌ است‌ و آن‌ را <في‌ تواتر الا‌خبار في المهدي> ناميده‌ است.

مهدويّت، آب‌ حيات‌ است‌

خوب، اين‌ مسئله، يك‌ مسئله‌ بسيار مهمّي‌ است. اهميّت‌ آن، وقتي‌ روشن‌ مي‌شود كه‌ در بعضي‌ از آيات، خوب‌ دقت‌ كنيد. در آيه‌ شريف‌ )قل‌ اَرَا‌يتم‌ ان‌ اَصَبَح‌ ماوِ‌كم‌ غوراً فمن‌ ياتيكم‌ بماءٍ معين((ملك: 30) روايت‌ داريم‌ كه‌ يك‌ تفسير <ماء معين>، امام‌ زمان‌ است. آب، مايه‌ حيات‌ است. هر كجا يك‌ چشمه‌ آب‌ هست، نشانه‌ زندگي‌ و حيات‌ است. تا آب‌ نباشد، هيچ‌ چيزي‌ نيست. در اين‌ جا مي‌فرمايد، امام‌ زمان، <ماء معين> است. به‌ همان‌ اندازه‌ كه‌ براي‌ زندگي‌ مادي‌ ما، آب‌ جاري‌ ضرورت‌ دارد، به‌ همان‌ اندازه، براي‌ زندگي‌ معنوي‌ ما، ياد امام‌ زمان، عشق‌ به‌ امام‌ زمان، انتظار امام‌ زمان، لازم‌ است.آن‌ چه‌ گل‌هاي‌ فضيلت‌ و شكوفه‌هاي‌ انسانيّت‌ را بر شاخسار وجود ما آشكار مي‌كند، همين‌ <ماء معين> يعني‌ حضرت‌ مهدي‌ (عج) است.

همه‌ شنيده‌ايم‌ كه‌ در روايت، حضرت‌ مهدي‌ (عج) به‌ آفتاب‌ پشت‌ ابر تشبيه‌ شده‌ است. كار آفتاب‌ در جهان‌ مادّه‌ چيست؟ نور آفتاب، مايه‌ هر حركتي‌ در كره‌ زمين‌ است. مي‌گويند، هر حركتي‌ كه‌ در كره‌ زمين‌ مي‌شود، به‌ نور آفتاب‌ مرتبط‌ است. تمام‌ موادّ انرژي‌زا، از نور آفتاب، است. سدهايي‌ مي‌سازند و آب‌ها را پشت‌ آن‌ جمع‌ مي‌كنند و با تونل‌هايي‌ كه‌ در آن‌ مي‌زنند، آب‌ را جاري‌ مي‌كنند و برق‌ را توليد مي‌كنند و در سايه‌ برق، كارخانه‌ها كار مي‌كنند. وقتي‌ نگاه‌ مي‌كنيم، مي‌بينيم‌ حركت‌ آن‌ها، به‌ نور آفتاب، است. آفتاب‌بر درياها مي‌تابد و آب‌ها بخار مي‌شوند و ابرها را تشكيل‌ مي‌شوند و باران‌ مي‌بارد و اختلاف‌ درجه‌ حرارت‌ پيدا مي‌شود و بادها توليد مي‌شوند و ابرها را حركت‌ مي‌دهند و باران‌ها مي‌بارد و پشت‌ سد، جمع‌ مي‌شود و توربين‌ها را حركت‌ مي‌دهد و برق‌ ايجاد مي‌شود.

نور آفتاب، سرچشمه‌ همه‌ زيبايي‌ها است! تمام‌ گل‌هاي‌ زيبا، تمام‌ بال‌ و پرهاي‌ پرندگان‌ زيبا، تمام‌ رنگ‌هايشان، از تابش‌ نور آفتاب‌ است. وقتي‌ وجود مهدي‌ به‌ نور آفتاب‌ تشبيه‌ مي‌شود، يعني‌ حسّ و حركت‌ و زيبايي‌ و جنبش‌ و حيات، از ناحيه‌ حضرت‌ مهدي‌ (عج) است.

پرورش‌ بندگان‌ صالح، زمينه‌ ظهور است‌

به‌ هر حال، اميدوارم‌ بتوانيم‌ هم‌ دوستان‌ را روشن‌ سازيم‌ و هم‌ دشمنان‌ را بر سر جا بنشانيم. الان‌ دارند پول‌ خرج‌ مي‌كنند براي‌ اين‌ كه‌ چهره‌ نوراني‌ حضرت‌ مهدي‌ (عج) را در نظرها طور ديگري‌ جلوه‌ دهند! آمدند يك‌ اشكالي‌ را مطرح‌ كردند. گفتند، شما مي‌گوييد: <حضرت‌ مهدي(ع)، وقتي‌ قيام‌ مي‌كنند كه‌ عالم، پر از ظلم‌ و جور و فساد شود. پس‌ به‌ ما اجازه‌ بدهيد، به‌ عنوان‌ مقدمه‌ ظهور، ما هم‌ به‌ ظلم‌ و فساد، كمك‌ كنيم.>! پاسخ‌ اين‌ اشكال، اين‌ است‌ كه‌ ظلم‌ و فساد، به‌ تنهايي، براي‌ ظهور حضرت‌ كافي‌ نيست. حضرت، وقتي‌ ظهور مي‌كند كه‌ جهان‌ <عباد صالح> باشد: )و لقد كتبنا في‌ الزبور من‌ بعد الذكر ان‌ الا‌رض‌ يرثها عبادي‌ الصالحون

ظلم‌ و فساد، در عالَم‌ زياد است. اگر ظلم‌ و فساد، به‌ تنهايي‌ براي‌ ظهور حضرت‌ كافي‌ بود، تا حالا حضرت‌ ظاهر شده‌ بود! ظلم‌ به‌ اندازه‌ كافي‌ هست! ما بايد <عبادي‌ الصالحون> را درست‌ كنيم؛ يعني، يك‌ گروهي‌ انقلابي‌ و قوي‌ و هوشيار و بيدار و آگاه‌ بايد باشند تا اين‌ انقلاب‌ حضرت‌ مهدي(ع) آشكار بشود.

برادري‌ سؤ‌ال‌ كرده‌ بود كه‌ <چرا يكي‌ از القاب‌ حضرت‌ مهدي، اباصالح‌ است؟ مگر حضرت، فرزندي‌ به‌ نام‌ صالح‌ دارد؟>. گفتيم، <اَب> در لغت‌ عرب، تنها به‌ معناي‌ پدر نيست، بلكه‌ به‌ معناي‌ <صاحب> نيز هست. اباصالح، يعني‌ كسي‌ كه‌ صُلحايي‌ در اختيار دارد. اين‌ <اباصالح> از اين‌ آيه‌ قرآن‌ گرفته‌ شده‌ است: )و لقد كتبنا في‌ الزبور من‌ بعد الذكر ان‌ الارض‌ يرثها عبادي‌ الصالحون((انبياء، 105)

خودسازي، مقدمهِ‌ ظهور است‌

دعاي‌ براي‌ تعجيل‌ ظهور، بسيار مهم‌ است‌ و مسجد جمكران، يك‌ كانون‌ بسيار مقدّس‌ براي‌ ياد مهدي(ع) است‌ و دعاي‌ ندبه، يك‌ دوران‌ تاريخ‌ ولايت‌ و نبوّت‌ تا منتهي‌ مي‌شود به‌ تاريخ‌ حضرت‌ مهدي‌ (ع). همه‌ اين‌ها بوده‌ است، امّا نبايد شيعيان، به‌ اين‌ها قناعت‌ كنند! آن‌ چه‌ لازم‌ است، خودسازي‌ و ديگرسازي‌ است: )انّ الا‌رض‌ يرثها عبادي‌ الصالحون( دنيا، پر از فساد شده‌ است‌ و جنايتكاران‌ دنيا، جنايت را به‌ حدّ اعلا رسانده‌اند! شما ببينيد، دو دولت‌ ياغي‌ و جاني، تمام‌ قوانيني‌ را كه‌ خودشان‌ تصويب‌ كرده‌اند، قوانين‌ بين‌المللي‌ و قوانين‌ انساني‌ و قوانين‌ بشري، همه‌ را زير پا گذاشتند! اسراييل، هر روز، مي‌كشد و ويران‌ مي‌كند و از بين‌ مي‌برد! آمريكاي‌ جنايتكار هم‌ مسابقه‌ جنايت‌ گذاشته‌ است! نه‌ تابع‌ قانوني‌ هستند و نه‌ تابع‌ حكمي‌ و نه‌ هيچ‌ قانوني‌ را در دنيا به‌ رسميت‌ مي‌شناسند و نه‌ عاطفه‌ انساني‌ دارند و نه‌ رحم! واقعاً، وقتي‌ انسان‌ مي‌بيند، اين‌ همه‌ از ملت‌ مظلوم‌ فلسطين‌ كشته‌ مي‌شود، خانه‌هايشان‌ ويران‌ مي‌شود، دنيا هم‌ خاموش‌ است، اين‌ طرف‌ هم‌ مي‌بينيد كه‌ جنايتكاران‌ در عراق‌ چه‌ها مي‌كنند، اين‌جا است‌ كه‌ ظلم‌ و فساد، به‌ اندازه‌ كافي‌ هست. بايد <عبادي‌ الصالحون> [ايجاد شود]، ان‌ شاء الله، از نفس‌ گرم‌ شما، يك‌ فعّاليّت‌ همگاني‌ بشود.

من، عرايضم‌ را كوتاه‌ مي‌كنم. شما عزيزان‌ را به‌ خدا مي‌سپارم. برنامه‌هايتان‌ را مي‌ستايم. از امام‌ زمان(ع) مي‌خواهم‌ كه‌ اِن‌ شاء الله، بال‌ و پر محبتش‌ را بر سر همه‌ شما و همه‌ شيعيان‌ و همه‌ كساني‌ كه‌ براي‌ نجات‌ اسلام‌ و تشيع‌ زحمت‌ مي‌كشند، بگستراند.

سطحي‌ كردن‌ مسئله‌ مهدويت، خطري‌ بزرگ‌

برخي‌ افراد، بحث‌ مهدويّت‌ را امروزه‌ خيلي‌ سطحي‌ كرده‌اند. آنان، بابي‌ را به‌ نام‌ ملاقات‌گرايي‌ باز كرده، مي‌گويند، بايد به‌ دنبال‌ ملاقات‌ با آقا بود ملاقات‌ با آقا، راحت‌ است‌ و اين‌ فكر را در قالب‌ كتاب‌ها و سخنراني‌ها و اخيراً به‌ وسيله‌ مجلهِ‌ خود به‌ شدّت‌ ترويج‌ مي‌كنند. مي‌خواستيم‌ نظر شما را در اين‌باره‌ جويا شويم. يك‌ جريان‌ ديگر هم‌ هست‌ كه‌ مي‌گويد، ظهور نزديك‌ است. در اين‌ باره‌ هم‌ نظرتان‌ را بفرماييد.

آيت‌ الله‌ العظمي‌ مكارم‌: متأ‌سفانه، همين‌ طور كه‌ بيان‌ كردند، يك‌ عده‌ سوء استفاده‌گر‌ درباره‌ اين‌ مسئله‌ پيدا شده‌اند. هميشه، از مهم‌ترين‌ مسائل‌ سازنده، از سوي‌ بعضي‌ بدترين‌ سوء استفاده‌ها شده‌ است. مسئله‌ مهدويّت‌ هم‌ همين‌ طور است. افراد نادرستِ گناهكارِ آلوده‌ تحت‌ عنوان‌ مسايل‌ مربوط‌ به‌ مهدويت، گاهي‌ افراد را اغفال‌ مي‌كنند و سوء استفاده‌ مي‌كنند. در مجالس‌ مي‌آيند مي‌گويند، چشم‌هايتان‌ را ببنديد كه‌ حضرت‌ مهدي(ع) آمد و بوي‌ حضرت‌ مهدي(ع) را مي‌شنويم‌ و ديشب‌ حضرت‌ مهدي(ع) را ديدم‌ و...!

اين‌ گونه‌ برخوردها، يا ناشي‌ از فكر كوتاه‌ است‌ و يا توطئه‌اي‌ در كار است‌ كه‌ مي‌خواهند ابهت‌ مسئله‌ را بشكنند و خراب‌ كنند! ما بايد به‌ هوش‌ باشيم‌ و جلوي‌ اين‌ سوء استفاده‌ها را بگيريم! لباس‌ روحانيت‌ بسيار مقدّس‌ است، ولي‌ از همين‌ لباس‌ بسيار مقدّس، يك‌ كسي‌ ممكن‌ است سوء استفاده‌ بكند! ما بايد مراقب‌ باشيم! آناني‌ كه‌ ناآگاهند، بايد بيدارشان‌ كنيم‌ و آگاهند، بايد با ايشان‌ مبارزه‌ كرد. آناني‌ كه‌ كساني‌ كه‌ مي‌آيند و خبر از نزديك‌ شدن‌ ظهور مي‌دهند، كارشان‌ براي‌ متزلزل‌ كردن‌ دل‌ها است! من‌ فراموش‌ نمي‌كنم‌ كه‌ قبل‌ از سال‌ 1414 هجري‌ قمري، يك‌ شايعه‌ مفصلي‌ پخش‌ كردند كه‌ در سال‌ 1414 حضرت‌ مي‌آيد!

هر كس‌ وقت‌ ظهور را تعيين‌ كند، به‌ ما دستور داده‌ شده‌ كه‌ تكذيبش‌ كنيم‌ و او را آدم‌ كذّاب‌ و دروغ‌گو بدانيم! هر كسي‌ ادعاي‌ روِ‌يت‌ كند، وظيفه‌مان‌ اين‌ است‌ كه‌ تكذيبش‌ كنيم. مسايل‌ مهدويت‌ را نبايد به‌ سطح‌ پايين، نازل‌ دهيم. امام‌ زمان‌ به‌ اين‌ كار راضي‌ نيست! هميشه، ما، گرفتار دوستان‌ نادان‌ بوديم‌ و دشمنان‌ دانا! الان‌ هم‌ گرفتاريم. شما مي‌بينيد در مسايل‌ عزاداري‌ امام‌ حسين(ع)، ما، هم‌ گرفتار دشمنان‌ دانا هستيم! و هم‌ دوستان‌ نادان! گاهي‌ مسايل‌ كفرزا را در مجالس‌ عزاداري‌ حسيني‌ مي‌گويند. لا اله‌ الا زينب، كفر است! بنابراين، در هر دو جبهه، بايد كوشيد. منتهي‌ در اين‌ دو جبهه، دوستان‌ نادان‌ را بيش‌تر بايد ارشاد كرد. حالا اگر يك‌ جريان‌هايي‌ باشد و يك‌ حساب‌ و كتابي، با آنان‌ بايد مبارزه‌ كرد! در همه‌ اين‌ مراحل، بايد با منطق‌ برخورد كرد. منطق‌ ما، الحمد للّه، در مسئله‌ ظهور حضرت‌ مهدي(ع)، خيلي‌ قوي‌ است. در اين‌ باره، هم‌ منطق‌ عقل‌ و هم‌ آيه‌ و هم‌ در روايت‌ و هم‌ اجماع‌ داريم.

آيا ما، مأ‌مور به‌ درخواست‌ و طلب‌ ديدار حضرت‌ هستيم؟ به‌ عبارت‌ ديگر آيا از جمله‌ تكاليف‌ شيعه‌ در عصر غيبت، درخواست‌ و تقاضاي‌ ديدار با امام‌ است؟ يا چنين‌ تكليفي‌ نيست؟

آيت‌ الله‌ العظمي‌ مكارم: نه؛ ما، مأ‌مور نيستيم....

جزء تكاليف‌ هست، حتي‌ به‌ صورت‌ مستحب؟

آيت‌ الله‌ العظمي‌ مكارم‌: نه؛ ما مأ‌مور نيستيم‌ كه‌ اصرار به‌ ديدن‌ حضرت‌ داشته‌ باشيم. كسي‌ ممكن‌ است‌ خدمت‌ حضرت‌ مشرّف‌ بشود، امّا آناني‌ كه‌ مشرّف‌ شدند، خبري‌ نمي‌دهند. آنان، تظاهر به‌ اين‌ مسايل‌ نمي‌كنند. بر اساس‌ رواج‌ همين‌ تفكر غلط، خيلي‌ها مي‌آيند پيش‌ ما و مي‌گويند: <آقا! دعا كنيد تا حضرت‌ مهدي(ع) را ببينيم.>! نبايد يك‌ چنين‌ اميدي‌ را و يا يك‌ چنين‌ فكري‌ را در جامعه‌ ايجاد كنيم. اِن‌ شاء الله‌ مي‌مانيم‌ و ظهور حضرت‌ را مي‌بينيم. و السلام‌ علكيم‌ و رحمه` اللّه‌ و بركاته.